

تحلیلی آینده‌پژوهانه از قدرت و نفوذ افراط‌گرایی اسلامی در جهان اسلام (مطالعه موردی: داعش)

محمدحسین جمشیدی^۱

استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس

محمد داوند

دانش‌آموخته دکتری گروه روابط بین‌الملل دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس

(تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۶/۲۰ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۱۲/۱۶)

چکیده

بعد از وقایع سال ۲۰۱۰ در جهان اسلام، گستره جدیدی از جریان‌های افراط‌گرایی اسلامی ظهور یافت که خشونت، درگیری‌های فرقه‌ای، تکفیر، بی‌ثباتی سیاسی و تلاش برای دولت‌سازی از مهم‌ترین اقدامات آن است. وسعت و شدت عملیات گروه‌های افراطی مزبور از جمله داعش به حدی است که سنجش قدرت و نفوذ آنها نزد صاحب‌نظران روابط بین‌الملل، از اهمیت خاصی برخوردار است. اما آنچه عمدتاً در این بین از آن غفلت شده، آینده قدرت و نفوذ داعش در جهان اسلام است. از طرفی، آینده‌پژوهی قدرت و نفوذ داعش، مستلزم بررسی سازه‌های تاریخی، سیاسی و اجتماعی افراط‌گرایی اسلامی است. این پژوهش بر این باور است که تقویت افراط‌گرایی اسلامی بیش از آنکه ناشی از بسترهای اجتماعی و داخلی کشورهای اسلامی باشد، حاصل راهبرد غرب برای مهار «اسلام سیاسی» توسط «اسلام افراطی» است. از این رو، این پرسش مطرح است که آینده نفوذ و قدرت داعش در جهان اسلام چگونه و براساس چه سازوکارهایی تحلیل‌پذیر است؟ فرضیه این نوشتار بر این بنیاد استوار است که قدرت و نفوذ داعش به‌طور کامل نابود نخواهد شد و از سوی دیگر چندان نخواهد بود که افراطیون داعش به‌عنوان یک دولت به رسمیت شناخته شوند. اثبات این فرض براساس تشخیص جایگاه آینده‌پژوهی در ابعاد و اضلاع قدرت و نفوذ خواهد بود (نوآوری). نوع تحقیق حاضر نظری-کاربردی، رویکرد آن توصیفی-تحلیلی، شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و اسنادی و روش پژوهش سناریوپردازی است.

واژگان کلیدی

اسلام افراطی، اسلام سیاسی، آینده‌پژوهی، جهان اسلام، داعش، غرب.

۱. مقدمه

مقدمه شامل طرح موضوع، پیشینه و نقد آن، نوآوری، فرضیه و پیکربندی نوشتار حاضر است.

۱.۱. بیان مسئله

در چند سال اخیر، جهان اسلام، دغدغه‌برانگیزترین منطقه جهان به شمار رفته و تحولات آن بر روابط بین‌الملل تأثیرگذار بوده است. از جمله جریان‌هایی که در دهه اخیر تأثیر بسیاری در جهان اسلام داشته است و هر روز نیز بر دامنه نفوذ آن در منطقه افزوده می‌شود، «افراط‌گرایی اسلامی»^۱ است. اقدامات تروریستی جریان‌های تکفیری این گروه‌ها، به‌ویژه داعش^۲ در کشورهای مسلمان عراق و سوریه، از بزرگ‌ترین چالش‌های جهان اسلام است که منطقه غرب آسیا را وارد مرحله سرنوشت‌سازی کرده است (سمعی‌اصفهانی و شفیع‌سیف‌آبادی، ۱۳۹۴: ۲۰۰). به‌عبارتی سرنوشت جهان اسلام بعد از وقایع بیداری اسلامی، تا حد زیادی به قدرت و نفوذ گروه‌های افراطی از جمله داعش گره خورده است. این گروه تروریستی بخش‌هایی از کشورهای اسلامی از جمله عراق، سوریه، افغانستان، لیبی، نیجریه و افغانستان را اشغال و ناامن کرده است. داعش در سرزمین‌های تحت تصرف خود، جنایات جنگی و موارد نقض حقوق بشر از جمله برده‌داری و حمله شیمیایی را انجام می‌دهد. داعش نفت استخراج می‌کند و در شبکه قاچاق بین‌المللی به فروش می‌رساند. این گروه افراطی، داعیه برپایی خلافت اسلامی را دارد و در عین حال به فتنه‌های مذهبی دامن می‌زند. داعش از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی به بهترین نحو بهره می‌برد و از این منظر با مهارت زیادی وحشت می‌آفریند.

چنین ویژگی‌هایی این فرض را تقویت می‌کند که زیست داعش در چند سال اخیر نتیجه قدرت و نفوذ آن است. پس نمی‌توان متصور شد که این گروه افراطی در مدت زمانی کوتاه نابود شود. از طرفی، اقدامات تروریستی داعش زمینه‌های ائتلاف جهانی علیه آن را ایجاد کرده است. داعش سرزمین‌های تحت تصرف خود را به تدریج از دست می‌دهد. کشورهای عربی و ترکیه در بسیاری از موارد اهداف مشترکی از جمله مهار ایران با این گروه افراطی دارند، اما به دلایل متعددی از جمله خلافت و حملات تروریستی در کشورهای خود توسط داعش، نمی‌توانند آن را متحد راهبردی محسوب کنند. ایران و روسیه از حوزه نفوذ داعش می‌کاهند و به کشورهای متقاضی، کمک نظامی می‌کنند. با عنایت به این مفروضات، این پرسش مطرح است که قدرت و نفوذ داعش در آینده جهان اسلام از چه روند و بنیادهایی تبعیت می‌کند و چگونه می‌توان روندهای مزبور را در آینده جهان اسلام تحلیل کرد؟

1. Islamic Extremism

2. Islamic State of Iraq and the Levant

۲.۱. پیشینه پژوهش

از دید سمیعی اصفهانی و شفیعی سیف‌آبادی، داعش در آینده احتمالی جهان اسلام جایی نخواهد داشت و نابود خواهد شد. این گروه از طرف برخی کشورهای عربی حمایت می‌شود، اما در سوریه و عراق چندان جایگاهی ندارد (سمیعی اصفهانی و شفیعی سیف‌آبادی، ۱۳۹۴). در همین زمینه اسفندیاری و طباطبایی معتقدند که خطرناک‌ترین سناریو برای ایران این خواهد بود که قدرت داعش در آینده به تجزیه عراق منجر شود. از این‌رو ایران با همه امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری موجب جلوگیری از نفوذ فزاینده داعش در عراق می‌شود (Esfandiary & Tabatabai, 2015:1-16). تا کر می‌نویسد مهم‌ترین سناریوی احتمالی برای کاهش نفوذ داعش در جهان اسلام، استفاده از «قدرت نرم»^۱ علیه آن است. از آنجا که مبارزه ایالات متحده آمریکا علیه داعش عواقب ناگواری خواهد داشت، قدرت نرم می‌تواند از اتحاد داعش با القاعده جلوگیری کند و جهان اسلام را از ورود به مرحله‌ای خطرناک‌تر بازدارد (Tucker, 2014:1-10). گامبیر نیز به‌طور ضمنی اشاره می‌کند که نفوذ و قدرت داعش در آینده جهان اسلام با خطر زیادی روبه‌رو نیست؛ چراکه آمریکا و ائتلاف بین‌المللی نمی‌توانند بدون از میان برداشتن سازه‌های کلی افراط‌گرایی اسلامی در منطقه به مبارزه با داعش بپردازند (Gambhir, 2015:28).

۳.۱. نقد تاریخیچه و نوآوری

باید ذکر کرد که همه پژوهش‌های بررسی‌شده، معضل نفوذ و قدرت داعش را به‌طور خاص در جهان اسلام بررسی نکرده‌اند؛ همچنین آینده‌پژوهی این پژوهش‌ها بدون توجه به بافت سیاسی و تاریخی افراط‌گرایی اسلامی در جهان اسلام بوده است؛ نیز، سناریوهای آنها در ارتباط با داعش مبتنی بر مختصات و ویژگی‌های علمی «قدرت» و «نفوذ» نیست. در مقابل، این پژوهش سعی دارد در کنار استفاده از قوت‌های این تحقیقات و پوشش ضعف‌های آنها، چشم‌اندازی از نفوذ و قدرت داعش براساس ساختارهای علمی «آینده‌پژوهی»، «نفوذ»، «قدرت» و واقعیات عوامل تقویت و نفوذ افراطی‌گری در جهان اسلام ارائه دهد.

۴.۱. فرضیه و پیکره پژوهش

بر این اساس، فرضیه پژوهش این خواهد بود که قدرت و نفوذ داعش در آینده جهان اسلام براساس تئوری مهار «اسلام سیاسی» با «اسلام افراطی» نه کاملاً از بین خواهد رفت و نه به‌گونه‌ای است که داعش همچون دیگر کشورهای اسلامی، قادر به دولت‌سازی باشد. تحلیل، شرح و بسط این فرضیه براساس دانش آینده‌پژوهی و روش سناریوپردازی است که در بخش

دوم ارائه خواهد شد. قسمت سوم مقاله (زمینه‌های ظهور و نفوذ افراط‌گرایی اسلامی در جهان اسلام) به‌منابۀ نقطه اتصال سناریوهای مطمح نظر (بخش چهارم پژوهش) به فرضیه اصلی است.

۲. مبانی نظری: جایگاه دانش (آینده‌پژوهی) در ابعاد و اضلاع قدرت و نفوذ

یونانیان باستان در زمینه نفوذ، قدرت فیزیکی، مادی و معنوی به ادبیات‌سازی دست زده‌اند. به‌عنوان مثال، توسیدید بین آرکه و هژمونی تفاوت قائل می‌شد. هژمونی وضعیتی افتخارآمیز از نظر وی بود که در آن اعمال هژمون مشروع تلقی می‌شد، درحالی که در آرکه به‌معنای کنترل صرف، بدون رضایت طرف مقابل بود. از طرفی، قدرت به‌منابۀ اقتناع مدنظر است. برای یونانیان باستان قدرت و اقتناع در تئوری و عمل مرتبطاند (Lebow, 2007: 121-124). در حالت معمولی کلاسویس نفوذ را ناشی از قدرت قلمداد می‌کند، اما در عمل در بعضی از اهداف، قدرت ارتباطی با نفوذ ندارد. برای نمونه، کلاسویس نیروی نظامی را از نفوذ و اقتناع فراتر می‌داند و معتقد است که اقتناع می‌تواند تهدید را نیز دربرگیرد. به زعم وی بازدارندگی و اجبار نیز زمانی موفق خواهد بود که زور چاشنی اصلی آنها باشد (Lebow, 2007: 124-135). در مجموع، نیک پیداست که میان قدرت، نفوذ، رهبری یا تدوین اجرای سیاست، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. بدون قدرت رهبری کردن امکان ندارد ... ما می‌توانیم به رهبری و نفوذ به‌عنوان قسمت‌هایی مشخص از قدرت نگاه کنیم. از طرفی، عنصر مهم مفهوم قدرت، «توانایی» تعیین رفتار دیگران «خواست‌های کسی به‌رغم مخالفت» است. قدرت به گفته لاسول «صورت خاصی از اعمال نفوذ» است (عالم، ۱۳۸۳: ۹۶). برای مشخص کردن جایگاه دانش در هندسه قدرت و نفوذ، شایسته است که نسل‌های متفاوت قدرت را مشخص کنیم.

۲. ۱. دو نسل نخست قدرت و نفوذ؛ جولانگاه رئالیسم و لیبرالیسم

از نظر برنسکوتور هسته نگهدارنده جهان، قدرت است و رئالیسم تنها مکتبی است که در ساخت و پرداخت قدرت، در بین دیگر مکاتب دست برتر را داشته است؛ اما مهم‌ترین انتقادات به رئالیسم این بوده است که انواع قدرت چیست؟ و دیگر مفاهیم اساسی در روابط بین‌الملل نظیر امنیت، نفوذ و حاکمیت چه نسبتی با قدرت دارند؟ با نظرداشت این دو پرسش اساسی، نگارنده سه نسل متفاوت از قدرت را مدنظر قرار می‌دهد. نسل اول قدرت در قالب مکتب شیکاگو ارائه شد. قدرت از دید اعضای مکتب همچون دال، کاپلان و لاسول رابطه‌ای اجتماعی است که یک طرف این رابطه به‌طور نیتمند بر طرف دیگر درون یک الگوی ارزشی

مشترک تأثیر می‌گذارد (Berenskoetter, 2007: 1-6). نسل دوم قدرت را لیبرال‌ها ارائه کردند. دانشورانی همچون کوهن و نای با طرح مباحثی نظیر اقتصاد نامتقارن و متعاقباً تحدید حاکمیت دول، منابع نفوذ متفاوتی را نسبت به طراحان نسل اول معرفی کردند. از این‌رو آشکار شد که تصمیمات همیشه توسط دولت‌ها اخذ نمی‌شوند و خود دولت‌ها نیز در اثر پیچیدگی فرایندهای قدرت در سیاست بین‌الملل و ورود بازیگران غیردولتی تحت سلطه رژیم‌های بین‌المللی هستند (Berenskoetter, 2007: 5-10). بارت و دوال در مقاله‌ای به نام «قدرت در سیاست بین‌الملل» قصد دارند بر مبنای طبقه‌بندی جدیدی از قدرت (نسل سوم)، دستاوردهای سیاست بین‌الملل را تحلیل کنند. در نوع مستقیم قدرت، بین سوژه و ابژه رابطه فوری، محسوس و سازنده برقرار است (نسل اول)؛ اما در نوع غیرمستقیم، رابطه بین سوژه و ابژه با واسطه و با فاصله زمانی و اجتماعی است. بر این اساس، اولین نوع قدرت، قدرت اجباری است. در قدرت اجباری، کنترل مستقیم یک بازیگر بر [اعمال] بازیگران دیگر به صورت کنش متقابل است. دومین نوع قدرت، قدرت نهادی است. دست آخر قدرت مولد شایان ذکر است که ویژگی آن برساخته شدن غیرمستقیم روابط اجتماعی سوژه‌ها در نظام معنا و نمودها یا همان دانش است (Barnett & Duvall, 2005: 69).^۱

۲.۲. دانش (آینده‌پژوهی) به‌مثابه نسل سوم قدرت

وضعیت بینارشته‌ای روابط بین‌الملل، ماهیت مصرف‌کننده بودن این دیسپلین (مشیرزاده و کافی، ۱۳۹۴: ۳۴۳-۳۴۲) از دیگر رشته‌ها از جمله آینده‌پژوهی را تأیید می‌کند. از این‌رو، آینده‌پژوهی به‌عنوان علمی میان‌رشته‌ای، در حال کشف چارچوب و مبانی تخصصی مربوط به رشته روابط بین‌الملل (Dellios, 2001) از جمله نفوذ و قدرت است. برای نمونه، در چشم‌انداز آینده قدرت در جهان، سناریوی کثرت‌گرایی مطرح است. در این سناریو، قدرت پراکنده شده و نهادهای منطقه‌ای و سازمان‌های غیرحکومتی فعالیت بیشتری خواهند داشت و نظم جهانی را افزایش خواهند داد. مسائل سیاسی و اقتصادی به‌شدت در هم می‌آمیزند و سبب توسعه پایدار خواهند شد. دولت‌ها از بین نخواهند رفت، اما کارویژه‌های آنها به‌شدت تحت کارویژه سازمان‌های غیردولتی قرار خواهد گرفت (Office of the Director of National Intelligence, 2012: 116-131). از سویی علم، تلاشی است که در توضیح واقعیت ارائه می‌شود و به سه دسته متفاوت تقسیم می‌شود. اولین قسمت دانش، توجه به شرح رویداد یا توصیف است. دومین قسمت آن تحلیل رویداد یا عنایت به چرایی، چگونگی و تأثیر یا تأثر واقعه بر پدیده‌های دیگر است. اما سومین قسمت علم، مقوله پیش‌بینی و به‌عبارتی بهتر آینده‌پژوهی است. آینده‌پژوهی عبارت است از

۱. اما دستاوردها در سیاست بین‌الملل زمانی نمود می‌یابند که انواع قدرت پایه دستاوردهای قدرت شوند.

تلاش برای درک آنچه در آینده می‌تواند یا باید روی دهد. آینده‌پژوهی مطالعه نظام‌مند، کشف، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب است (قاعدی و گلشنی، ۱۳۹۴: ۴-۵). از این‌روست که فوکو معتقد است قدرت و دانش، مستقیماً بر یکدیگر دلالت می‌کنند و هیچ رابطه قدرتی بدون تشکیل حوزه‌ای از دانش متصور نیست و هیچ دانشی هم نیست که متضمن روابط قدرت نباشد. علوم انسانی به‌عنوان جزئی از فرایند اعمال قدرت، چگونگی شکل‌گیری گفتمان‌های مختلف را در بستر روابط قدرت تبیین می‌کنند (لوکس، ۱۳۷۰: ۳۳۹). در این راستا لیوتار^۱ هم به تجاری شدن دانش و آگاهی و هم به ابزارگونه شدن دانش در برابر قدرت می‌پردازد (منوچهری، ۱۳۷۶: ۴۱). از سویی، آینده‌پژوهی به‌مثابه یک دانش و رشته مستقل دانشگاهی و شیوه‌ای کارآمد در مطالعات فناورانه، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با اقبال همراه شده است؛ به‌گونه‌ای که در حال حاضر، آینده‌پژوهی به‌عنوان رشته‌ای دانشگاهی در طراحی و تدوین رهنگاشت و پیش‌بینی، جایگاهی درخور و سزاوار دارند. بنابراین، پژوهش در حوزه آینده به شیوه‌ای فزاینده، تصمیم‌ها و سیاست‌های عمومی را متأثر کرده است. بسیاری از دولت‌ها در راه افزایش و گسترش ظرفیت‌های آینده‌پژوهی گام‌های بلندی برداشته‌اند و برای کشف فرصت‌های تازه و رهایی از تهدیدها از آینده‌پژوهی به‌عنوان ابزاری کارآمد بهره گرفته‌اند (Inayatullah, 2013: 1-15). دانش آینده‌پژوهی، ابزاری برای مهندسی هوشمندانه آینده است. آینده‌پژوهی، تفکرات فلسفی و روش‌های علمی و مدل‌های مختلف بررسی و مطالعه آینده را مطرح و با استفاده از آنها، آینده‌های بدیل و احتمالی را ترسیم می‌کند (فانج راد و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۸). استنتاج روند، هیأت کارشناسان، دلفی، پیش‌نمایی، مشاوره، تحلیل هدف، گذشته‌نگری، مدلسازی و سناریونویسی از جمله روش‌های آینده‌پژوهی برای پیش‌بینی آینده‌اند. سناریونویسی، مشتمل بر اطلاعات ساماندهی شده و سازمان‌یافته مربوط به وقایع و رویدادهای ممکن در آینده بر مبنای دیدگاه‌های مختلف از آینده است. سناریوها باید به‌خودی‌خود تصاویر ثابتی از وقایع ممکن در آینده را ارائه دهند و باید ترکیبی از مؤلفه‌های کمی یا کیفی مرتب‌شده و ترتیب‌یافته، به‌عنوان شرط‌های منطقی که گزینه‌های دیگر برای آینده‌اند، باشند (محمودی، ۱۳۸۵: ۱۷). از این‌رو، سناریوها می‌توانند چشم‌اندازهای چندگانه‌ای پیرامون حوادث پیچیده ارائه کنند و به این حوادث معناهای مختلفی دهند. باید توجه داشت که سناریو، متضمن پیش‌بینی قطعی و دقیق جهان آینده نیست، بلکه توصیفی از رویدادهای ممکن و جداگانه‌ای است که امکان وقوع آنها در آینده وجود دارد. به بیان دیگر، سناریوها آمیزه‌ای از پیش‌بینی‌های تخیلی و در عین حال واقع‌گرایانه از رخدادها و احتمالی آینده‌اند (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۹).

1. Jean-François Lyotard

۳. افراط‌گرایی اسلامی در جهان اسلام؛ زمینه‌های ظهور و نفوذ

از پایان جنگ دوم جهانی، جهان اسلام از بحرانی‌ترین مناطق در جهان بوده است. در این زمینه، واعظی به نقل از ریچارد هاس می‌نویسد: «... منطقه خاورمیانه از بی‌ثبات‌ترین مناطق جهان به شمار می‌آید، منطقه‌ای که به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک آن و دخالت و رقابت قدرت‌های بزرگ، همواره در معرض کشمکش، آشوب و خشونت بوده است...» (واعظی، ۱۳۹۰: ۲۵). ظهور رژیم افراطی طالبان و عملکرد آن در افغانستان، گسترش عملیات نظامی گروه القاعده در خاورمیانه، کشتارهای فرقه‌ای در پاکستان، بمب‌گذاری‌های هولناک در میان عزاداران تاسوعا و عاشورا، اقدامات ددمنشانه گروه تروریستی داعش و جبهه‌النصره در عراق، سوریه و دیگر کشورهای منطقه، توجه تحلیلگران و دولتمردان منطقه را به معضل تروریسم در تاریخ سیاسی معاصر جهان اسلام جلب کرده است. از این‌رو، ریشه‌یابی زمینه‌های ظهور و تقویت این گروه‌ها در شناخت آینده اقدامات آنها مؤثر است.

۳.۱. متغیرهای سطح خرد در پیدایش، تقویت و نفوذ افراطی‌گری در جهان اسلام

در سطح نظام‌های سیاسی-اجتماعی جهان اسلام، عواملی در پیدایش و تقویت افراطی‌گری دخیل‌اند. برخی معتقدند که تروریسم آخرین گزینه برای تغییر در سیاست کشورهای جهان اسلام است؛ گروهی استدلال می‌کنند که تروریسم در جهان اسلام را می‌توان به توسعه‌نیافتگی فرهنگی و اجتماعی و فقر برخی از کشورهای این منطقه منتسب کرد. برخی نیز بر این عقیده‌اند که اقتصاد تک‌محصولی کشورهای مسلمان، سبب شکاف‌های طبقاتی، شکل‌گیری رانت، بیکاری و در نهایت بی‌عدالتی می‌شود و ترور پاسخی است به این شرایط ناعادلانه.

۳.۲. متغیرهای سطح کلان در پیدایش، تقویت و نفوذ افراطی‌گری در جهان اسلام

اما در یک طبقه‌بندی کلی، ماهیت و اقدامات گروه‌های افراطی جهان اسلام، در گرو بررسی چهار واقعه اساسی قرار دارد که بر کل فضای سیاسی غرب آسیا تأثیرات بسزایی گذاشتند.

۳.۲.۲. حضور اسرائیل در مرکز جهان اسلام

با اشغال فلسطین، غرب آسیا اهمیت بیشتری یافت و به یکی از حوزه‌های مهم قدرت‌های بزرگ تبدیل شد. کشورهای منطقه، طی این شش دهه در تعامل با بازیگران بین‌المللی، ائتلاف‌های متعدد رسمی و غیررسمی در منطقه ایجاد کرده‌اند. این ائتلاف‌ها یا علیه رژیم صهیونیستی و حامیان آن بوده است یا به نفع آن (هینوش و احتشامی، ۱۳۸۲: ۵۰). بنابراین، اسرائیل با بهره‌برداری از حمایت مستقیم و غیرمستقیم برخی از کشورهای محافظه‌کار منطقه‌ای (عربستان سعودی) و فرامنطقه‌ای (ایالات متحده آمریکا، انگلستان، فرانسه و ...) همواره سعی کرده است

از اقدامات جریان‌های تروریستی فعال در خاورمیانه، منافع ملی خود را به حداکثر برساند. یکی از سیاست‌های دائمی اسرائیل در این زمینه، بهره‌برداری از بحران‌های منطقه برای تثبیت موقعیت خود بوده است. به‌عنوان مثال از آنجا که راهبرد اسرائیل، سرنگونی نظام بشار اسد در سوریه است، به گروه‌های تروریستی در سوریه کمک‌های فراوانی می‌کند. در این زمینه پرس تی‌وی می‌نویسد: «برخی گزارش‌ها از حمایت پزشکی، اطلاعاتی و نظامی پیکارجویان گروه النصره در سوریه، توسط رژیم اسرائیل حکایت دارد» (پرس تی‌وی، ۱۳۹۳/۱۲/۱۴).

۳.۲.۲. وقوع انقلاب اسلامی و اشغال افغانستان توسط شوروی

انقلاب اسلامی ایران، ساختار سیاسی، نحوه توزیع قدرت و بازیگران روابط بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داد (رضایور، ۱۳۹۳: ۱۴۱). رهبری این انقلاب، بر بُعد سیاسی آموزه‌های اسلامی - شیعی و پیوند دین با سیاست تأکید کرد (رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۸۹: ۸۸). از آن پس آنچه به کنش سیاسی ایرانیان در صحنه داخلی و خارجی جهت می‌دهد مذهب شیعه است (کریمی‌فرد، ۱۳۸۸: ۱۶۶). در مقابل، ایران در برابر کشورهای محافظه‌کار منطقه قرار گرفت که با اکثریت سنی، خواهان سیاست حفظ وضع موجود در منطقه خاورمیانه و به‌ویژه خلیج فارس بودند. این خط مشی عمدتاً با استقبال عربستان سعودی و همچنین پاکستان مواجه شد. همکاری اسلام‌آباد - ریاض در دهه ۱۹۹۰، با جدیت بیشتری دنبال شد و جریان افراطی سنی با برخورداری از آموزه‌های افراطی سلفی و وهابی در قالب طالبان از خلال این همکاری سر بر آورد که یکی از مهم‌ترین اهداف آن کنترل و مهار اسلام‌گرایی شیعی در منطقه بود (Kouzehgar Kaleji, 2012: 146-147). همچنین تجاوز نیروهای اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان اثری چشمگیر در تندرو شدن جریان اسلام‌گرایی افراطی داشت. در طی همین جنگ بود که برخی از رهبران «عرب - افغان» اندیشه بین‌المللی کردن جهاد را مطرح و پیگیری کردند. سرشت چندملیتی این جنگ، سرانجام سبب پا گرفتن سازمانی با عنوان القاعده شد تا بنیادی باشد برای کمک‌رسانی به همه اسلام‌گرایان از ملیت‌های گوناگون در برابر فرمانروایان سرکوبگر و فاسد (عباس‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۹-۱۶).

۳.۲.۳. حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱

درباره تأثیر واقعه یازدهم سپتامبر بر روند اقدامات جریان‌های تروریستی در خاورمیانه مرادی به نقل از جرویس می‌نویسد: «حوادث یازدهم سپتامبر را می‌توان پایان دوره گذار سیاست خارجی آمریکا دانست. این حادثه با خلق دشمن جدیدی به نام تروریسم، زمینه را برای بهره‌برداری آمریکا از سیاست‌های خود از نظام بین‌الملل با توجه به مفهوم تروریسم فراهم کرد. دشمن‌تراشی و ایجاد دشمن فرضی، یکی از لازمه‌های تعقیب راهبرد توسعه‌طلبانه غرب و به‌ویژه ایالات متحده است. از این‌رو، خاورمیانه مرکز ثقل سیاست خارجی آمریکا پس از

حادثه یازدهم سپتامبر شد؛ چراکه آمریکا ارزش‌های هویتی خود را در تعارض با ارزش و هنجارهای مردم این منطقه یافته است» (مرادی، ۱۳۹۲/۱۲/۰۳). بر همین مبنا تلاش شد برای تحکیم هژمونی ایالات متحده، از اسلام و مسلمانان یک تهدید جهانی بزرگ ساخته شود. در رویکرد دگرسازی از اسلام گفته می‌شود: همان‌گونه که آمریکا از پایان جنگ جهانی دوم اتحاد شوروی را امپراتوری شیطنانی و محور شرارت می‌خواند (موسوی شفائی، ۱۳۸۸: ۱۲۸)، پس از یازدهم سپتامبر نیز، عمدتاً به بهانه مبارزه با تروریسم، به اسلام‌هراسی آمریکا و متعاقباً خشونت گروه‌های تروریستی افزوده شده است. برای نمونه، محبوبی و همکاران به نقل از دفتر روزنامه‌نگاری تحقیقی^۱ نشان داده‌اند: «حملات هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا به مناطق قبایلی پاکستان، بیش از اینکه به سرکوب ستیزه‌گری در این مناطق کمک کرده باشد، به گسترش خشونت تلافی‌جویانه منجر شده است. حملات تروریستی در پاکستان، همگام با افزایش حملات هواپیماهای بدون سرنشین، فزونی گرفته‌اند (محبوبی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱۴).

۳. ۲. ۴. تحریف بیداری اسلامی

«بیداری اسلامی» موجی بود که توانست ظرف مدت کوتاهی فضای مونوکراسی منطقه را تغییر دهد و دولت‌های همسو با کشورهای محافظه‌کار منطقه را به دست مردم ساقط کند. اما تحولات به‌گونه‌ای پیش رفت که در عراق گروه‌های تندرو بار دیگر تشکیل شود و در سوریه هم تکفیری‌ها برای از بین بردن قدرت بشار اسد گرد هم آیند. جنگ داخلی در سوریه سبب شد که کشورهای حاشیه خلیج فارس نظیر عربستان، گروه‌های تکفیری همچون جبهه النصره و القاعده پاکستان را از نظر مالی و نظامی تقویت کرده و آنها را راهی سوریه کنند. باقی‌مانده این گروه‌ها اکنون تحت نام «داعش» در عراق مشغول کشتار نظامیان و غیرنظامیان هستند (خبرنامه تحلیلی آمریکا، ۱۳۹۳: ۱۱-۲). از این رو غرب مانند دهه ۱۹۸۰، با گروه‌های تروریستی القاعده و به اصطلاح جهادگران سلفی، همچون داعش، جبهه النصره و ... اشتراک منافع [تحدید اسلام سیاسی و مقاومت اسلامی] پیدا کرده‌اند (مرادی، ۱۳۹۲/۱۲/۰۳). عواملی که ذکر شد همواره به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در آینده افراط‌گرایی اسلامی تأثیر بسزایی داشته‌اند. بنابراین، در ادامه مهم‌ترین سناریوها در زمینه نفوذ و قدرت گروه تروریستی داعش در جهان اسلام بررسی خواهد شد.

۴. سناریوهای ممکن و محتمل در زمینه نفوذ و قدرت داعش در جهان اسلام

مختصات و ویژگی‌های نفوذ و قدرت گروه افراطی داعش در قالب دو سناریوی ممکن و محتمل به شرح زیر است.

1. The Bureau of Investigative Journalism, (SATP)

۴.۱. سناریوهای ممکن: سویه‌های تحکیم و شکست کامل قدرت و نفوذ داعش در جهان اسلام

در حال حاضر داعش صرفاً یک سازمان تروریستی معمولی نیست، بلکه ساختاری سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که نشان‌هایی از یک دولت را دارد و در جنگ با دولت‌های مجاور موفق عمل کرد. به لحاظ وسعت جغرافیایی (۴۰ هزار کیلومتر مربع) نیز با سوئیس قابل مقایسه است. داعش روزی ۳۵۰ هزار بشکه نفت را در بازار سیاه به فروش می‌رساند. داعش در سراسر جهان طرفدار دارد، حتی در بین شهروندان غیرمسلمان. داعش در میان گروهک‌های تروریستی مختلفی که با خلافت پیمان وفاداری بسته‌اند نیز دارای هوادارانی است (Харыбин, 2016:62). داعش صاحب ارتشی از جنگجویان آموزش‌دیده است که همواره با نیروهای تازه‌نفس تجهیز می‌شود و دارای یک دستگاه تبلیغاتی تأثیرگذار است که به‌خوبی از امکانات شبکه‌های جهانی بهره‌برداری می‌کند. با در نظر گرفتن همه این عوامل این سناریو مطرح خواهد بود که داعش به یک قدرت منطقه‌ای تبدیل شود که از نظر قدرت قابل مقایسه با دیگر بازیگران اصلی منطقه باشد. این سناریو براساس چهار نسل متفاوت قدرت از قطعیت برخوردار نخواهد بود (Харыбин, 2016:64). براساس مبانی نسل اول قدرت، الگوی ارزشی بین داعش و بیشتر مسلمانان جهان اسلام از جمله جمهوری اسلامی ایران برای برقراری رابطه اطاعت و متابعت نه‌تنها مشترک نیست، بلکه در تضاد است. به‌عبارت دیگر، داعش برخاسته از نظام فکری وهابیت است که به نابودی ادیان و مذاهب دیگر به غیر از وهابیت، نظیر مسیحیان و شیعیان از جمله شیعیان ایران معتقد است. از این‌رو، تحکیم موقعیت داعش از دو جنبه می‌تواند برای ایران تهدید ایجاد کند. اولین تهدید، امنیتی است. اگر واقعاً تهدید نابودی رژیم شیعه در عراق به وقوع بپیوندد، ایران وارد جنگ خواهد شد. در این صورت نیروهای سنی در حال رقابت با یکدیگر احتمالاً علیه ایران متحد خواهند شد. تقویت گروه‌های سنی که تحت کنترل قطر و عربستان سعودی هستند، موجب ایجاد تهدیدی جدی برای امنیت ملی ایران خواهد شد. در همین زمینه، ایران در مرزهای خود با عراق نیروهای نظامی خود را تقویت کرده است. در کنار تهدید خارجی، تهدید نظامی نیز محتمل است. در مناطق غربی ایران که هم‌مرز با عراق است بیشتر جمعیت را کردهای مسلمان سنی‌مذهب تشکیل می‌دهند (Мелконян, 2015:189).

دومین تهدید، سیاسی است. بعد از تحکیم موقعیت داعش در عراق و استان‌های بزرگ سوریه، محور سنی دائماً در حال تفرقه در ژئوپلیتیک شیعه است. در این صورت برای کشورهای دارای جمعیت شیعه نظیر لبنان، سوریه، عراق و بحرین مشکلات امنیتی پیش می‌آید. در همین زمینه، ایران به کمک نیروهای ضد داعش از جمله کردهای سنی‌مذهب پرداخته است (Мелконян, 2015:192). براساس بنیادهای نسل دوم قدرت و نفوذ، این سناریو

طرح می‌شود که داعش از دو طریق روابط اقتصادی و مسئله خلافت می‌تواند مبانی قدرت و نفوذ خود را در جهان اسلام، تثبیت و تحکیم کند؛ چراکه به‌رغم تلاش‌ها برای اتمام فروش نفت و محصولات نفتی داعش در بازارهای منطقه‌ای، این گروه تروریستی حجم معاملات خود را در این حوزه افزایش داده است (The Financial Action Task Force, 2015:34). داعش در سال ۲۰۱۴، بر بیش از ۶۰ درصد محصولات نفتی سوریه و کمتر از ۱۰ درصد فراورده‌های نفتی عراق تسلط داشت. تخمین زده می‌شد که داعش در این سال روزانه بین ۲ تا ۴ میلیون دلار درآمد داشت (Brisard & Martinez, 2014:7). از طرفی، تشکیلات داعش هرمی است و خلیفه در رأس آن قرار دارد و به‌صورت مستقیم بر شوراهای زیر نظر خود اشراف دارد. داعش تا کنون سرزمین‌های تحت نفوذ خود را به بخش‌هایی به نام ولایت تقسیم کرده است که تعدادی از آنها در عراق و تعدادی در سوریه هستند. این گروه تروریستی همچنین می‌خواهد خلافت خود را جهانی (در جهان اسلام) کند (غفاری هنجین و علیزاده سیلاب، ۱۳۹۳:۹۸). اما بنیادهای این سناریو بسیار تزلزل‌پذیر است. نخست اینکه داعش به‌عنوان یک دولت از جانب هیچ کشوری به‌شکل رسمی و قانونی به رسمیت شناخته نشده است تا به شکلی نهادمند روابط اقتصادی با آنها داشته باشد. از سویی، هر چه از عمر این گروه تروریستی می‌گذرد، فروش قاچاق نفت داعش کاهش می‌یابد. برای نمونه گزارش‌ها نشان می‌دهند که درآمد حاصل از فروش نفت خام داعش روزانه از ۳۳۰۰۰ بشکه در سال ۲۰۱۵، به ۲۱۰۰۰ بشکه در سال ۲۰۱۵ رسیده است (Pagliery, 2016).

دوم اینکه، خلافت داعش نمی‌تواند قدرت و نفوذ آن را نهادمند کند. جهان اسلام آمادگی پذیرش نظریه خلافت را ندارد، زیرا این اعتقاد همواره وجود داشته است که خلیفه ویژگی‌هایی دارد و خداوند عنایات خاصی به برخی از افراد و قبایل داشته است؛ اما امروز این اعتقاد، عمومی نیست. امروزه بیشتر افراد، مردم‌سالاری را پذیرفته‌اند و بسیاری از متدینین در جهان اسلام این مبانی را قبول ندارند. یکی از دلایل مخالفت بسیاری از بزرگان القاعده با داعش همین موضوع است که آنان معتقدند هنوز فضای جهان اسلام آمادگی ظهور و بروز خلافت اسلامی را ندارد. یک دولت کوچک را می‌توان در همه جا تأسیس کرد، ولی تبدیل این دولت به خلافت، حتی در اذهان القاعده، سلفی‌های جهادی، اخوانی‌ها و وهابی‌ها و عربستان و قطر نیز جایگاهی ندارد (فرمانیان، ۱۳۹۴/۱۱/۱۰). براساس شالوده‌های نسل سوم قدرت، این سناریو مطرح است که داعش به‌واسطه استفاده از فضای سایبری به ترویج ایدئولوژی خود بپردازد و اعضای خود را بیش از پیش افزایش دهد. داعش در تجزیه و تحلیل شبکه‌های اجتماعی، شبیه‌سازی در امور اجتماعی، تجزیه و تحلیل مسائل آماری و همچنین تحلیل محتوا موفق بوده است. داعش مهارت زیادی در مخاطب‌شناسی و دغدغه‌های مخاطب دارد و از

طریق برجسته‌سازی این مسائل، اهداف خود را به بهترین نحو به اجرا می‌گذارد. در تحقیقی مشخص شد که در طی یک مدت یک‌ماهه از مجموع حدود ۷۰۰۰۰۰۰ توثیت که از مخاطبان داعش بودند، ۱۴۷۴۱۲ توثیت، از اصطلاح «دولت اسلامی»، و ۴۴۳۳۳۶ توثیت از واژه «خلافت» استفاده کردند (Shaheen, 2015: 3-10). اگرچه داعش از دانش سایبری برای تحکیم مبانی نفوذ خود استفاده می‌کند، برخی کشورها و گروه‌های فعال بین‌المللی در تلاش‌اند که اقدامات سایبری داعش را خنثی کنند و خسارات مستقیمی به این گروه تروریستی و همچنین توانایی آنها در جمع‌آوری کمک‌های مالی آنلاین و انتشار تبلیغات وارد آورند. در این زمینه آنها حساب‌های کاربری هواداران داعش را به حالت تعلیق درآورده یا به‌طور کامل بسته‌اند. همچنین گروه‌های سایبری ناشناس مخالف با داعش قصد دارند حملاتی را علیه کشورهای پشتیبان این گروه تروریستی (مانند قطر، عربستان سعودی و ترکیه) به‌عنوان بخشی از کمپین «نه به داعش» راه‌اندازی کنند (مرکز رصد راهبردی اندیشکده‌های استراتژیک، ۱۳۹۳/۰۶/۱۶).

۴.۲. سناریوی محتمل: سوییچ‌های مهار اسلام سیاسی توسط اسلام افراطی (داعش)

اسلام سیاسی گرایش‌های گوناگونی درون خود دارد که عمدتاً به‌علت وقوع انقلاب اسلامی، گاهی با هم به مرحله تضاد نیز می‌رسند؛ اسلام محافظه‌کار سنتی (عربستان سعودی)، اسلام سیاسی مدنی (ترکیه)، اسلام سیاسی امت‌گرا (جمهوری اسلامی ایران) و اسلام سیاسی تندرو (القاعده و دیگر گروه‌های تروریستی). در این زمینه، اسپوزیتو و پیسکاتوری در مقاله‌ای با عنوان «اسلام و دمکراسی» می‌نویسند: غرب از طریق تقسیم جسورانه مسلمانان به «مسلمان خوب» که اهداف مورد تأیید غرب را دنبال می‌کنند و «مسلمانان بد»، خود را در معرض اتهام به دخالت در امور مسلمانان قرار داده است. این حربه دقیقاً مصداق بارز سیاست مهار جدید مبتنی بر مهار مسلمانان توسط مسلمانان است (موسوی‌شفائی و شاپوری، ۱۳۹۰: ۱۷۶). از این‌رو تکرار ارزش‌ها در جهان اسلام زیرساختی را پدید آورده است تا از طریق آن غرب به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در برهه‌های زمانی متفاوت با ائتلاف با برخی از گرایش‌ها، آنها را رودرروی یکدیگر قرار دهد. بنابراین، کارکرد اصلی اسلام تندرو در قالب تروریسم، مهار انواع اسلام سیاسی است. برخی معتقدند در حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، این کشور مرتکب اشتباهاتی شد که در نهایت به پیدایش و گسترش جنبش‌های تکفیری از جمله داعش انجامید. مهم‌ترین این اشتباهات، انحلال سازمان‌های امنیتی و ارتش عراق بوده است. هنگام خروج نیروهای آمریکایی از عراق اوپاما اعلام کرد: ما در حالی عراق را ترک می‌کنیم که دولتی مستقل، قوی و خودکفا را تأسیس کرده‌ایم. در واقع در آن لحظه انشقاق و تشتت در میان اهل تسنن عراق در جریان بود و به علاوه بر شمار گروهک‌های افراطی اسلامی نیز افزوده شده بود.

در هر صورت، در سال ۲۰۰۶ گروهک دولت اسلامی عراق اعلام موجودیت کرد و بعدها نامش را به دولت اسلامی عراق و شام تغییر داد (Melkonian, 2015: 185).

از سویی، مهم‌ترین راهبردهای (افراطی) داعش در جهان اسلام بدین شرح است: الف) حمله به غیرنظامیان شیعه به منظور دامن زدن به خشونت‌های فرقه‌ای؛ ب) حمله به غیرنظامیان و شهروندان کرد؛ ج) حمله به لبنان برای تحدید اقدامات حزب‌الله در سوریه؛ د) حملات مستقیم در ترکیه، مصر و عربستان سعودی؛ ه) حفظ وضع موجود (جنگ داخلی) در یمن؛ و) حملات انتحاری در مناطق روس‌زبان و حمله به نیروهای نظامی آمریکا و شرکای ائتلافی در جهان اسلام (McFate & others, 2016: 15-17). توجه به مهم‌ترین راهبردهای داعش و عملکرد آن نشان می‌دهد که بیشتر تهدیدهای این گروه افراطی متوجه جهان اسلام است. این گروه افراطی به بی‌ثباتی سیاسی در تونس، لیبی، عراق، لبنان، سوریه، یمن و تا حد کمتری ترکیه و عربستان دامن می‌زند. داعش جبهه جدیدی علیه محور مقاومت اسلامی در جهان اسلام شامل جمهوری اسلامی ایران، حزب‌الله لبنان و سوریه باز کرده است. داعش سبب شده که شکاف‌های سیاسی و عقیدتی عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با جهان اسلام بیشتر شود. داعش اتحاد میان مسلمانان تضعیف را کرده و ضربات اقتصادی و امنیتی مهلکی بر پیکره برخی از کشورهای جهان اسلام وارد آورده است. در مقابل، راهبردهای گروه افراطی داعش در جهت اهداف غرب به‌ویژه ایالات متحده آمریکا و اسرائیل، تفسیرشدنی است. اقدامات داعش، اسلام‌هراسی، به‌معنای واقعی کلمه را بیش از پیش توسعه و ترویج داده است. در اثر نفوذ داعش در کشورهای اسلامی، حوزه نفوذ اسرائیل از لحاظ سیاسی و امنیتی در جهان اسلام افزایش یافته است. عملیات این گروه افراطی، به مبارزه تاکتیکی ایالات متحده علیه آن، اعتبار جهانی می‌بخشد و در نهایت برای روسیه، رقیب راهبردی غرب مشکلاتی را پدید آورده است. بنابراین می‌توان برای افشاگری ادوارد اسنودن، پیمانکار سابق آژانس امنیت ملی آمریکا پایه‌ای منطقی در نظر داشت. به گفته وی، سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی در شکل‌گیری گروه موسوم به دولت اسلامی در عراق و شام «داعش» نقش داشتند و در عملیاتی به نام «لانه زنبور»، گروه داعش را تشکیل دادند (خبرگزاری صداوسیما، ۱۳/۰۳/۱۳۹۳).

به گفته اسنودن گروه داعش برای حمایت از اسرائیل تشکیل شده و هدف عملیات «لانه زنبور»، تشکیل گروهی با شعارهای اسلامی است که تندروها را از سراسر جهان جذب کند و براساس اندیشه‌های تکفیری، سلاح خود را به سوی کشورهای مخالف موجودیت اسرائیل نشانه بگیرد. اسنودن همچنین اذعان کرد که سرکرده داعش دوره فشرده‌ای را به مدت یک سال زیر نظر عوامل موساد پشت سر گذاشته است (خبرگزاری صداوسیما، ۱۳/۰۳/۱۳۹۳). هیلاری کلینتون

نیز در کتاب خاطرات خود اذعان دارد که «ما داعش را برای تقسیم خاورمیانه ایجاد کردیم» (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۳/۰۶/۱۹). پس، سناریوی منطقی این خواهد بود که براساس پایه‌های نسل اول قدرت، نفوذ داعش در آینده جهان اسلام، براساس نظریه مهار اسلام توسط اسلام، نه کاملاً از بین خواهد رفت و نه به میزانی است که این گروه تروریستی قادر به دولت‌سازی باشد. سه دلیل برای اثبات این سناریو وجود دارد؛ ۱. اگر این گروه افراطی دولت تشکیل دهد، هیچ ضمانتی وجود ندارد که با تثبیت قدرت، منافع اقتصادی و سیاسی غرب را در جهان اسلام، به چالش بکشد؛ ۲. تثبیت و تحکیم پایه‌های قدرت داعش در غرب آسیا، تهدیدی مهلک برای متحدان منطقه‌ای غرب، از جمله عربستان (مسئله خلافت) محسوب می‌شود؛ ۳. امحای کامل نفوذ و قدرت داعش در جهان اسلام، همسو با منافع جمهوری اسلامی ایران و متحدان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اوست.

براساس پایه‌های نسل دوم قدرت و نفوذ، سناریوی مطمح نظر این است که مناسبات اقتصادی و نفوذ ارزشی گروه تروریستی داعش، تا حدی خواهد بود که در وهله اول موجودیت داعش در جهان اسلام حفظ شود. برای نمونه، کمیته امنیت و دفاع مجلس عراق در گزارشی اعلام کرد که هواپیماهای آمریکایی، تروریست‌های داعش را در منطقه صلاح‌الدین به سلاح و تجهیزات نظامی مجهز کرده‌اند. این گزارش تأکید دارد که این اقدام چندین بار در استان‌های دیگر عراق تکرار شده که نشان می‌دهد برخی کشورها از جمله عربستان سعودی می‌خواهند عراق همچنان تحت اشغال تروریست‌های داعش باقی بماند (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۳/۱۰/۱۵). در درجه بعد، استمرار اصول ایدئولوژیک داعش از جمله ترویج وهابیت، شیعه‌ستیزی و خلافت بر جهان اسلام، نباید به قطع فرایند عضوگیری در داعش منجر شود. روشن است که ایالات متحده چند دهه است که بر مسائل طایفه‌گرایانه و اعتقادی متمرکز شده است و از آنها بهره‌برداری می‌کند. واشینگتن به‌خوبی می‌داند که طایفه‌گرایی موجب تضعیف کشورهای اسلامی خواهد شد. در نهایت، نفوذ داعش به‌واسطه دانش در جهان اسلام، نه تنها به توسعه اقتصادی و صنعتی منجر نخواهد شد، بلکه بهره‌برداری داعش از دانش، به حوزه‌های اندکی از جمله فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی با هدف مخدوش کردن چهره اسلام در جهان محدود است. باید اذعان کرد که با توجه به شواهد موجود، بخش تبلیغاتی تهاجم داعش علیه جهان با کمک هالیوود به انجام می‌رسد. مصداق بارز این کمک تبلیغاتی را می‌توان در تدوین ویدئوکلیپ‌های حاوی صحنه‌های اعدام اسرا توسط عاملان داعش، اشاعه اسلام رادیکال از طریق اینترنت و نمایش اغراق‌آمیز موفقیت‌های داعش و تمایل آنها به ایجاد خلافت در جهان اسلام ذکر کرد. به کمک فیلم‌برداری‌ها، سناریوها و کارگردانی‌های حرفه‌ای و البته با عبرت گرفتن از اشتباهات القاعده در این حوزه، داعش توانسته است به‌خوبی از رسانه‌های اجتماعی

همسو با اهداف خود بهره‌برداری کند. همه این موارد حاکی از آن است این جنگ تبلیغاتی توسط افراد کاملاً حرفه‌ای اداره می‌شود که به‌خوبی از ظرفیت‌های فضای رسانه‌ای و نحوه برخورد با مخاطب در جهان آگاه‌اند (Ваничкин, 2015: 167). نفوذ و قدرت داعش در آینده جهان اسلام، چنانکه ذکر آن رفت در هر سه نسل قدرت، تا حد زیادی به پشتیبانی و عدم پشتیبانی غرب از فعالیت‌های آن بستگی دارد و نیز، سیاست غرب نه نابودی کامل این گروه تروریستی است و نه دولت‌سازی آن در جهان اسلام. بلکه راهبرد غرب همواره مهار اسلام سیاسی به‌واسطه گروه‌های اسلامی افراطی از جمله القاعده و داعش در سیاست جهان است.

۵. نتیجه

دغدغه این پژوهش به این مسئله معطوف است که نفوذ و قدرت داعش در آینده جهان اسلام چگونه خواهد بود؟ برای پاسخ به این پرسش، ابتدا جایگاه آینده و آینده‌پژوهی در هندسه قدرت و نفوذ مشخص شد. امروزه آینده‌پژوهی به‌عنوان دانشی مدون و جدید، به‌منابۀ نسل سوم قدرت و نفوذ مطرح است. یکی از ویژگی‌های دانش آینده‌پژوهی، ابتدای آن بر واقعیت‌ها، گذشته‌ها و روندهای جاری است. این گزاره بنیادهای آینده‌های محتمل و ممکن را تشکیل داده و بنیادهای سناریوپردازی را که یکی از روش‌های آینده‌پژوهی است تشکیل می‌دهد. از این‌رو، در ارتباط با نفوذ و قدرت افراطیون داعش در آینده جهان اسلام، بایسته است که به عواملی چون حضور اسرائیل در مرکز جهان اسلام، وقوع انقلاب اسلامی، حادثه یازدهم سپتامبر و بیداری اسلامی در تقویت زمینه‌های ظهور، نفوذ و قدرت آن اشاره داشت. واقعیات محیط سیاسی، بین‌المللی و تاریخی افراط‌گرایی اسلامی نشان می‌دهد که رشد و نضج اقدامات گروه‌های افراطی اسلامی بیش از آنکه ناشی از بسترهای اجتماعی و داخلی کشورهای اسلامی باشد، حاصل راهبرد غرب برای مهار «اسلام سیاسی» است. اسپوزیتو و پیسکاتوری دو اسلام‌پژوه معروف در مقاله‌ای با عنوان «اسلام و دمکراسی» به تفصیل این موضوع را تجزیه و تحلیل کرده‌اند. با توجه به این مفروضات، این فرضیه در پاسخ به پرسش اصلی در قالب سناریوی محتمل مطرح شد که نفوذ داعش در آینده جهان اسلام، براساس نظریه مهار اسلام توسط اسلام، نه کاملاً از بین خواهد رفت و نه به اندازه‌ای است که این گروه تروریستی قادر به دولت‌سازی باشد. تشکیل دولت توسط داعش، منافع اقتصادی و سیاسی غرب را در منطقه، به چالش می‌کشد. همچنین تثبیت و تحکیم پایه‌های قدرت و نفوذ افراطیون داعش تهدیدی بالقوه برای متحدان منطقه‌ای غرب، از جمله عربستان به‌ویژه بر سر مسئله خلافت محسوب می‌شود. همچنین امحای کامل نفوذ و قدرت داعش در جهان اسلام، در راستای منافع جمهوری اسلامی ایران و متحدان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اوست. مناسبات اقتصادی و نفوذ

ارزشی گروه تروریستی داعش، تا حدی خواهد بود که موجودیت و اقدامات تروریستی داعش در جهان اسلام حفظ و استمرار یابد. اصول اعتقادی داعش از جمله ترویج وهابیت، شیعه‌ستیزی و خلافت بر جهان اسلام، به‌گونه‌ای است که در جذب مستمر افراطیون به این گروه خللی وارد نیاید. کمک‌های نظامی و اقتصادی غرب به سرکردگی آمریکا به داعش که مورد تأیید منابع متعدد از جمله پارلمان عراق قرار گرفته و کارشکنی‌های غرب در فتنه‌های مذهبی از جمله مصادیق این سناریو است. دست آخر، نفوذ داعش به‌واسطه دانش در جهان اسلام، نه‌تنها توسعه اقتصادی و صنعتی برای کشورهای اسلامی و سرزمین‌های تحت تصرف داعش در پی نخواهد داشت، بلکه بهره‌برداری داعش از دانش، محدود به موارد اندکی از جمله فناوری‌های ارتباطی با هدف تخریب واقعیات اسلام در جهان است. باید اذعان داشت که با توجه به شواهد موجود، بخش تبلیغاتی تهاجم داعش علیه جهان با کمک هالیوود به انجام می‌رسد. مصداق بارز این کمک تبلیغاتی را می‌توان در تدوین ویدئو کلیپ‌هایی کاملاً حرفه‌ای حاوی صحنه‌های اعدام اسرا توسط تروریست‌های داعش ذکر کرد.

منابع

الف) فارسی

۱. رسولی ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۸۹). «مبانی بین‌ذهنی هویت نظام جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۴، ش ۱، ص ۸۵-۱۱۴.
۲. رضاپور، حسین (۱۳۹۳). «تأثیر انقلاب اسلامی بر نظام بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۱، ش ۳۷، ص ۱۴۱-۱۵۸.
۳. سعیدی، گلناز، آریایی‌جو، فرهاد؛ و اصلاح، محبوبه (۱۳۹۲). «سناریوسازی برای توسعه قدرت شیعه در آینده»، فصلنامه مطالعات آینده‌پژوهی، ش ۵، ص ۱۸۱-۱۵۱.
۴. سمعی اصفهانی، علیرضا؛ و شفیع سیف‌آبادی، محسن (۱۳۹۴). «آینده گروهک‌های تکفیری و راهکارهای ثبات‌بخش»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۴، ش ۱۴، ص ۱۹۹-۲۲۷.
۵. فاتح راد، مهدی؛ جلیلود، محمدرضا؛ و نصراللهی وسطی، لیلا (۱۳۹۲). «درآمدی بر مبانی معرفت‌شناسی و روش‌شناسی آینده‌پژوهی»، فصلنامه مطالعات آینده‌پژوهی، سال ۲، ش ۸، ص ۵۲-۲۷.
۶. قاعدی، محمدرضا؛ و گلشنی، علیرضا (۱۳۹۴). «آینده‌پژوهی روند همگرایی و وحدت دنیای اسلام»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ش ۲۳، ص ۱-۲۴.
۷. عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۹). بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
۸. عباس‌زاده فتح‌آبادی، مهدی (۱۳۸۷). «تجاوز نیروهای اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان و سر برآوردن القاعده»، مجله سیاسی - اقتصادی اطلاعات، ش ۲۵۸-۲۵۷، ص ۱۶-۲۹.
۹. غفاری هنجین، زاهد؛ و علیزاده سیلاب، قدسی (۱۳۹۳). «مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری (مطالعه موردی: داعش)»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۳، ش ۱۱، ص ۸۹-۱۱۱.
۱۰. کریمی‌فرد، حسین (۱۳۸۸). «تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس مؤلفه‌های هویت ملی»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ش ۲، ص ۱۹۰-۱۵۵.

۱۱. لوکس، استیون (۱۳۷۰). *قدرت؛ فرانسائی یا شر شیطانی*، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۲. محبوبی، قربانعلی، شهوند، شهراد؛ و عظیم‌زاده، جعفر (۱۳۹۳). «حضور نیروهای نظامی خارجی در افغانستان و گسترش افراط‌گرایی فرقه‌ای در پاکستان (۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱)»، *فصلنامه مطالعات جهان اسلام*، سال ۲، ش ۱.
۱۳. محمودی، بهزاد (۱۳۸۵). «معرفی آینده‌پژوهی و روش‌های آن»، *مجمع تشخیص مصلحت نظام*، مرکز تحقیقات استراتژیک، *سلسله گزارشات آینده‌پژوهی*، ش ۱، ص ۱-۲۷.
۱۴. مشیرزاده، حمیرا؛ و کافی، مجید (۱۳۹۳). «زمینه‌های ساختاری نظریه‌پردازی ایرانی در روابط بین‌الملل»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۵، ش ۲، ص ۳۳۷-۳۵۵.
۱۵. منوچهری، عباس (۱۳۷۶). «قدرت، مدرنیسم و پست‌مدرنیسم»، *مجله سیاسی-اقتصادی اطلاعات*، ش ۱، ص ۳۲-۳۹.
۱۶. موسوی شفقانی، مسعود (۱۳۸۸). «نومحافظه‌کاری و هژمونی آمریکا»، *فصلنامه روابط خارجی*، ش ۲، ص ۱۵۱-۱۱۹.
۱۷. موسوی شفقانی، سیدمسعود؛ و شاپوری، مهدی (۱۳۹۰). «ابعاد و پیامدهای ژئوپلیتیک پرخطر ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ۱۴، ش ۴، ص ۱۹۲-۱۶۳.
۱۸. واعظی، محمود (۱۳۹۰). «ایران و تهدیدات ناشی از بی‌ثباتی در افغانستان و پاکستان»، *مجله کانون‌های بحران در آسیا*، مرکز تحقیقات استراتژیک (مقالات تخصصی)، ص ۴۵-۱۵.
۱۹. هینوش، ریموند؛ و احتشامی، انوشیروان (۱۳۸۲). *سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه*، ترجمه علی گل‌محمدی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ب) پایگاه‌های خبری و تحلیلی

۲۰. مرکز رصد راهبردی اندیشکده‌های استراتژیک (۱۳۹۳/۰۶/۱۶). «جهان در آستانه جنگ سایبری تمام‌عیار علیه داعش»، قابل دسترسی در: <http://www.eshrf.ir/2630/%D8B4.html> (زمان دسترسی به سایت: ۱۳۹۴/۰۲/۲۹).
۲۱. پرس تی‌وی (۱۳۹۳/۱۲/۱۴). «تصاویر ثبت‌شده همکاری میان اسرائیل و النصره را اثبات می‌کند»، قابل دسترسی در: <http://www.presstv.ir/DetailFa/2015/03/05/400411/Middle-East-Syria> (زمان دسترسی به سایت: ۱۳۹۴/۰۲/۲۸).
۲۲. *خبرنامه تحلیلی آمریکا* (۱۳۹۳). «تروریسم در خاورمیانه محصول اشتباهات بی‌پایان آمریکا»، ش ۹۲.
۲۳. *خبرگزاری ایرنا* (۱۳۹۳/۱۰/۱۵). «پارلمان عراق کمک‌های نظامی آمریکا به داعش را تأیید کرد»، قابل دسترسی در: <http://www7.irna.ir/fa/News/81451667/> (زمان دسترسی به سایت: ۱۳۹۴/۰۴/۲۵).
۲۴. *خبرگزاری صداوسیما* (۱۳۹۳/۰۳/۱۳). «در خاطرات کلینتون افشا شد؛ نقش آمریکا در ظهور داعش»، قابل دسترسی در: <http://www.iribnews.ir/NewsBody.aspx?ID=54141> (زمان دسترسی به سایت: ۱۳۹۴/۰۳/۱۱).
۲۵. *خبرگزاری فارس* (۱۳۹۳/۰۶/۱۹). «اسناد قطعی رابطه آمریکا با داعش»، قابل دسترسی در: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930618001170> (زمان دسترسی به سایت: ۱۳۹۴/۰۲/۲۲).
۲۶. فرمانیان، مهدی (۱۳۹۴/۱۱/۱۰). «از امارت تا خلافت، داعش پس از دولت و خلافت به سراغ «مهدویت» خواهد رفت؟»، *مجله عصر اندیشه*، قابل دسترسی در: <http://asreandisheh.ir/Home/Content/257> (زمان دسترسی به سایت: ۱۳۹۴/۰۴/۰۵).
۲۷. مرادی، عبدالله (۱۳۹۲/۱۲/۰۳). «غرب و تروریسم سلفی؛ از همکاری تا هراس»، *خبرگزاری فارس*، در سایت: <http://farsnews.com/newstext.php?nn=13921119000696> (زمان دسترسی به سایت: ۱۳۹۴/۰۵/۱۳).

ج) روسی

28. Ваничкин С.В. (2015). «Чем опасно «Исламское Государство» для России».

Научные ведомости Белгородского государственного университета, Серия: История. Политология, Выпуск № 36 (216), том 19, С. 166-170.

29. Мелконян С. Г. (2015). «Исламское государство Ирака и Леванта (ИГИЛ) как экзистенциальная угроза безопасности России», **Научные труды Северо-Западного института управления РАНХиГС**, Выпуск 1(18), Том 6, С. 185-194.
30. Харьбин А.Н. (2016). «Террористические акты как тактика Исламского государства и последствия для российской внешней политики», **Наука Красноярья**, № 1(24), С. 61-70.

(د انگلیسی

31. Barnett, Michael & Duvall, Raymond, (2005). "Power in International Politics", **International Organization**, pp: 39-57.
32. Berenskoetter, Felix, (2007). "Thinking about power", in **Power in World Politics**, Edited by Berenskoetter, Felix and Williams, M.J. published in the USA and Canada by Routledge.
33. Brisard, Jean-Charles & Martinez, Damien, (2014). "Islamic State the Economy-Based Terrorist Funding", **Thomson Reuters**, <https://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=1&cad=rja&uact=8&sqi=2&ved=0ahUKEWjt3p7lqMbnAhUD0xoKHbJCBYQFggcMAA&url=https%3A%2F%2Ffrisk.thomsonreuters.com%2Fsites%2Fdefault%2Ffiles%2FGRC01815.pdf&usq=AFQjCNENaWYGBzjD9LnC-5xuD7eXk8zXsQ&bvm=bv.125596728,d.bGg>
34. Dellios, Rosita, (2001). "Trends for the International Future Studying the Future: Who, How & Why", **The Department of International Relations, SHSS**, Bond University, Queensland, Australia, <http://www.international-relations.com/pp/ProspectsI-II.htm>
35. Esfandiary, Dina & Tabatabai, Ariane, (2015). "Iran's ISIS policy", **International Affairs**, Wiley Online Library.
36. Gambhir, harleen, (2015). "ISIS Global Strategy a Wargame", **Middle East Security Report 28**.
37. Inayatullah, Sohail, (2013). "Futures Studies: Theories and Methods", https://www.bbvaopenmind.com/wp-content/uploads/2013/03/03_estudios_futuro1.pdf
38. Kouzehgar Kaleji, Vali, (2012). "Ups and Downs in Iran-Pakistan Ties", **Iranian review of Foreign Affairs**, Vol. 2, No. 4, pp: 141-178.
39. Lebow, Richard Ned, (2010). "The Power of Persuasion", in **Power in World Politics**, Edited by Berenskoetter, Felix and Williams, M.J. published in the USA and Canada by Routledge.
40. McFate, Jessica Lewis & others, (2016). "ISIS Forecast Ramadan 2016", **Institute for the Study of War, Washington, DC 20036**.
41. Office of the Director of National Intelligence, (2012). "Global Trends 2030 Alternative Worlds", https://www.google.com/?gws_rd=ssl#q=global+trends+2030+alternative+worlds+pdf
42. Pagliery, Jose, (April 21, 2016). "ISIS is struggling to fund its war machine", <http://money.cnn.com/2016/04/21/news/isis-financing-oil-tax-war/>
43. Shaheen, Joseph, (2015). "Network of Terror: How DAESH Uses Adaptive Social Networks to Spread its Message", **RIGA**, https://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=2&cad=rja&uact=8&ved=0ahUKEwiMsfKz7crNAhVBfxoKHAlfA3oQFgghMAE&url=http%3A%2F%2Fwww.stratcomcoe.org%2Fdownload%2Ffile%2Ffid%2F3312&usq=AFQjCNE6tuwqxU1omZFb5cHWxALSHxmvjA&sig2=igt_9hw-f1SALyRlNAT7A&bvm=bv.125596728,bs.1,d.d24
44. The Financial Action Task Force, (2015). "Financing of the Terrorist Organisation Islamic State in Iraq and the Levant (ISIL)", http://r.search.yahoo.com/_ylt=A0LEV0xXCXBXC54A_iVXNyoA;_ylu=X3oDMTEyMDNncGFtBGNvbG8DYmYxBHBvcwMxBHZ0aWQDQjE5MTBfMQRzZWMDc3I-/RV=2/RE=1466989015/RO=10/RU=http%3a%2f%2fwww.fatf-gafi.org%2fmedia%2ffatf%2fdocuments%2freports%2fFinancing-of-the-terrorist-organisation-ISIL.pdf/RK=0/RS=w6mUesQisosheggGpdMu036zvw0-
45. Tucker, Colin, (2014). "The Islamic State Origins, Goals, and Future Implications", **The Eurasia Center**.